

آن بود که در وقت توبه بیابان چون خواست که از فرات بگذرد و نماز
 دیگری و باطنی از اصحاب خود نماز دیگری را در وقت بگذارد و سایر
 اصحاب بگذرانیدن چهار بیابان خود مشغول بودند تا آفتاب غروب
 کرد و نماز دیگری نشان نوقت شد در آن باب سخنان گفتند
 چون حضرت امیر کرم الله وجهه از استنید از خدای تعالی در خوا
 که آفتاب برگردد تا اصحاب وی نماز را در وقت بگذرانند خدا
 تعالی دعای او را اجابت کرد و آفتاب بجای نماز دیگری برگردان
 با قوم سلام باز داد آفتاب غروب کرد و از وی آوازی آید
 سخت می آید خوف بر مردم غالب شد و تسبیح تهلل و تسبیح
 اش تعالی بود **از آنکه گفتند** که حضرت امیر کرم الله وجهه می
 بان مهم داشت که خبرهای و بر ابوسوی معاویه رضی الله عنه بهر
 آن شخص انکار کرد حضرت امیر فرمود که سوگند منخوری الکل
 سوگند خورد امیر فرمود که اگر درین سوگند کاذب باشی
 خدای تعالی پیشم ترا کوگردانم اما در آن قضیه برساند که
 بیرون آمد و دعای او را گرفته بودند و می کشیدند و خوشان

دی تسبیح نمیدید و مثل آنست انکه امام مستغفری رضی الله علیه
 در کتاب دلائل النبوه آورده است که امیر المومنین علی
 رضی الله عنه در ذری در رحبه شخصی را از سخنی سوال کرد آن
 شخص بر است گفت حضرت امیر فرمود که دروغ نمگوید گفت
 میگویم فرمود که بر تو دعایم کرد که اگر دروغ گفته باشی
 خدای تعالی ترا کوگردانم گفتند تا کنون حضرت امیر دعا کرد
 آن شخص از رحبه بیرون رفت **اللابینا از آنکه گفتند**
 که روزی بر حاضران مجلس سوگند داد که هر که از رسول صلی
 علیه وسلم شنیده است که گفته من گفت مولاه فعلی مولاه
 گوای دهد و از ده تن از انصار حاضر بود اما گوای دادند یکی دیگر
 که آنرا از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده بود و حاضر بود اما
 گوای نداد حضرت امیر کرم الله وجهه فرمود که ای فلان تو چرا
 گوای ندادی یا انکه تو هم شنیده گفت من پرسیدم و هم فراموش
 کرده ام امیر دعا کرد که خداوند اگر این شخص دروغ میگوید
 صدقش را بر سرش و وی ظاهر کرد آن که نماز او را بر او سزاوار بودی

دعای تسبیح